

مقایسه اقتصاد آمریکا و چین با همبرگر مک دونالد!

۱۰ مرداد ۱۳۹۹ از گروه اقتصاد و توسعه -



دکتر هاشم اوعی-استاد دانشگاه صنعتی شریف- در جهان امروز دیگر منظور از قدرت تعداد توپ و تانک نیست بلکه ملاک اقتصاد است و این یعنی میزان تولید کالا و خدمات توسط مردم کشور یا همان تولید ناخالص داخلی یعنی GDP. قدرت اقتصادی و یا GDP آلمان است که این کشور را به سکان دار بلامنازع اقتصاد اروپا تبدیل کرده و نه توپ و تانک و موشک. همه شاهد بودیم که چگونه در ۲۶ دسامبر سال ۱۹۹۱ میلادی، اتحاد جماهیر شوروی علیرغم داشتن قوی ترین ارتش جهان فرو یاشید. اما قرار گرفتن کشورها در جدول اقتصاد جهان چگونه است؟ یک معیار آن است که با تقسیم تولید ناخالص داخلی بر جمعیت، درآمد سرانه یعنی میزان تولید به ازای هر نفر از جمعیت کشور را محاسبه کنیم و راه دیگر مقایسه کل تولید ناخالص داخلی هر کشور بدون لحاظ نمودن جمعیت است. اما مشکل اینجاست که درآمد سرانه و هم چنین تولید ناخالص داخلی هر کشور به واحد پول همان کشور است و برای قرار گرفتن در جدول رده بندی اقتصاد جهان همه باید به یک ارز تبدیل شود. البته ما می توانیم ادعا کنیم که باید همه کشورها GDP یا همان اقتصاد خود را با ریال ما محاسبه کنند ولی بعید است که این امر محقق شود و درست یا غلط، در حال حاضر ملاک محاسبه دلار آمریکا است. بدین ترتیب برای مقایسه اقتصاد کشورها معمولاً GDP به دلار آمریکا تبدیل می شود و اینجاست که نرخ تبدیل ارز اهمیت پیدا می کند. این نکته را هم باید یادآور شد که در کشور ما وقتی دلار گران می شود، مادامی که تولید ناخالص داخلی به ریال ثابت بماند، مقدار آن به دلار کاهش یافته و لذا گفته می شود که اقتصاد کوچک شده و جایگاه کشور در جدول رده بندی اقتصاد جهان تنزل می یابد و این شرایطیست که در چند دهه اخیر شاهدیم. نتیجه آن می شود که علیرغم حضور کشورهای ترکیه و عربستان سعودی در گروه ۲۰ یا همان G20 که ۸۵٪ اقتصاد جهان را شامل می شود، ایران جایگاهی در این گروه ندارد.

با این مقدمه برگردیم به مساله مقایسه اقتصاد کشورهای بزرگ و رقابت شدیدی که در حال حاضر بین دو قدرت اقتصادی جهان در گرفته است. عموماً اقتصاد آمریکا با ۶/۲۳٪ بزرگترین و چین با ۵/۱۵٪ در رتبه دوم اقتصاد جهان قرار می گیرد. اما مساله اصلی این است که اقتصاد چین که به واحد پول این کشور یعنی یوان محاسبه شده با چه نرخ تبدیل به دلار آمریکا شده است؟

در ماه مارس سال ۲۰۱۰ میلادی، پروژه مدیسون در دانشگاه گرونینگن هلند برای بررسی آمار اقتصادی جهان کلید خورد و یکی از نتایج اعلام شده آن بود که اندازه اقتصاد آمریکا در دهه ۱۸۸۰ میلادی از چین پیشی گرفته است. این روزها چین و آمریکا در میدان اقتصاد سخت به رقابت برخاسته اند. از آنجا که تعداد نیروی کار چین ۷/۴ برابر بیشتر از آمریکا است، چنانچه کارگران چینی بسیار کمتر از همکاران آمریکایی خود تولید کنند باز هم اقتصاد چین از نظر اندازه بزرگتر از آمریکا خواهد بود. در واقع اگر در ۵۳ کشور جهان تعداد کارگران برابر چین بود همه این کشورها از تولید ناخالص داخلی بیشتری نسبت به ایالات متحده برخوردار بودند.

در سال ۲۰۱۹ میلادی، نیروی کار چین ۹۹ تریلیون یوان کالا و خدمات تولید کردند و در آمریکا این رقم به ۴/۲۱ تریلیون دلار رسید. از آنجا که سال گذشته ارزش رسمی یک دلار برابر ۹/۶ یوان بود، تولید ناخالص داخلی چین برابر ۱۴ تریلیون دلار محاسبه شد و بدین ترتیب اقتصاد آمریکا با اختلاف زیادی در رتبه اول جهان قرار گرفت. ولی مساله اینجاست که در چین با ۹/۶ یوان می توان اقلام بیشتری خرید تا با یک دلار در آمریکا. برای مثال بیگ مک، همبرگر معروف و پر طرفدار رستوران های مک دونالد را در نظر بگیرید. قیمت متوسط یک بیگ مک در چین ۲۰/۲۱ یوان و در آمریکا ۷/۵ دلار است. در این حالت ارزش یک دلار برابر ۸/۳ یوان و ارزش ۹۹ تریلیون یوان برابر ۲۶ تریلیون دلار بوده و بدین ترتیب اقتصاد چین بزرگتر از آمریکا است.

اخیراً مجله معتبر اکونومیست قیمت همبرگر بیگ مک را در جهان از سال ۱۹۸۶ مقایسه کرده و از آن به عنوان معیاری برای سنجش قدرت خرید واحد پول کشورهای مختلف استفاده کرده است. نتایج بدست آمده نشان می دهد که ارزش واقعی واحد پول در بسیاری کشورها نسبت به دلار بیشتر از میزان محاسبه شده در مبادلات بین المللی است.

هر چند سال یک بار بانک جهانی بررسی گسترده ای برای سنجش قدرت خرید واحد پول هر کشور از طریق مقایسه قیمت هزاران کالا در کشورهای مختلف به عمل می آورد. مقایسه قیمت ها در سال ۲۰۱۱ نشان داد که قیمت ها در چین ارزان تر از آن بود که انتظار می رفت و در نتیجه اقتصاد چین به مراتب بزرگتر از مقدار محاسبه شده قبلی بود. بر مبنای این محاسبات، بانک جهانی به این نتیجه رسید که در سال ۲۰۱۴ میلادی تولید ناخالص داخلی چین از آمریکا پیشی گرفته و اقتصاد این کشور در سال ۲۰۱۹ میلادی، ۲۷٪ بزرگتر از آمریکا است. اما برخی کارشناسان به این تحلیل به دیده تردید نگریستند. در سال ۲۰۱۰ میلادی خبرنگار مجله مالی کیکسین در یک بررسی به این نتیجه رسید که قیمت برخی اقلام در هانگکونگ بیشتر از شهر خواهر خوانده خود در آمریکا یعنی بوستون است. این دسته از کارشناسان امیدوارتر شدند وقتی که در ماه گذشته بانک جهانی نتایج آخرین تحلیل خود را از مقایسه قیمت ها منتشر کرد. نتایج جدید نشان داد که قیمت کالا و خدمات در چین ۱۷٪ بیشتر از آن بود که قبلاً در نظر گرفته شده بود و به همین سادگی تولید ناخالص داخلی چین ۲/۳ تریلیون دلار کاهش یافت! محاسبات جدید حاکی از آن است که در واقع اقتصاد چین از سال ۲۰۱۶ میلادی و نه ۲۰۱۴ از آمریکا سبقت گرفته است.

آیا می توان به آمار و اطلاعات منتشر شده اخیر اعتماد کرد؟ مقایسه قیمت انواع کالا و خدمات در سرتاسر جهان مشکلات زیادی به همراه دارد. یک کالا ممکن است در کشوری دائماً مورد استفاده قرار گرفته و در کشوری دیگر کالای لوکس به شمار آید. لذا بانک جهانی باید به هر کالا وزن دهد. البته وزن هر کالا بستگی به عادات زندگی و سلیقه مصرف آن جامعه داشته که قطعاً در هر کشور متفاوت است و این خود بستگی به قیمت آن کالا دارد. لذا به سادگی می توان در این چرخه گرفتار شد.

بدین ترتیب شاید بتوان نتایج ارائه شده از سوی بانک جهانی را با قیمت همبرگر ارزیابی کرد! این معیار نشان می دهد که بانک جهانی قدرت خرید یوان چین را کمتر از مقدار واقعی آن در نظر گرفته و در نتیجه اقتصاد چین بزرگتر از آن است که اعلام می شود. جالب اینجاست که روزگاری مک دونالد نماد قدرت اقتصادی ایالات متحده بود، اما امروز انزاری شده برای این که نشان دهد چگونه اقتصاد این کشور رتبه اول خود را در جهان از دست داده و این را می توان آغازی بر پایان نظام تک قطبی جهان به سرکردگی آمریکا دانست.

(Visited 1 times, 1 visits today)

لینک کوتاه مطلب : <https://jahaneghtesad.com/?p=108117>

گروه اقتصاد و توسعه